

باز آمد بهار، با چندین نگار خرم شد چمن ها	ای یاران برآیید، گل شد نی سوار
بلبل بی قرار ، در دشت و دمن ها	ای یاران کجایید؟
ای حبیبان ما	نوبهاران خوش است
جوشش چشمه ها	ابر و باران خوش است
فصل گل در چمن	پیش سرو و سمن
	یاد یاران خوش است (۲)
شور آزادگی را گر بهای جان بود ( ۲ )	عشق و دلدادگی را هم بهای آن بود
جوشش گل نگر در چمن ریشه کن	( بیستون شد جهان ناخن از تیشه کن ) (۲)
حالی ای آدمی عاشقی پیشه کن	شور بلبل ببین در گل اندیشه کن
	به داغ عاشقان ، بیار ای آسمان
چو کاروان روان	سرشک همراهان
چه فارغی ای بهار	که اندرین روزگار
شوری داری	مشکین باری
به ماتم گلی	نشسته بلبل غمین
به داغ او	تو این چنین
چون سبک باران	فارغ از یاران (۲)
ای بهار از خزان ، فارغ اند عاشقان	( گو خزانی میا ، گو بهاری ممان ) ( ۲ )
( عاشقان عاشقان	نامتان جاودان
عالم خونین شد به داغ انسان	( به داغ انسان ) (۲)
حالی ای آدمی عاشقی پیشه کن	شور بلبل ببین در گل اندیشه کن
خیز و رها کن من و ما ، در صف هنگامه درآ	حیله ی دشمن بشکن ، نغمه ی نصرت بسرآ
( ببین به داغ لاله در دشت و دمن	نگر به رخت سبزه در باغ و چمن ) (۲)
	در غم ابنای وطن (۲)
الا تا گل از گل بدمد ، غم میهن از دل بدمد	( زنده در اداور وطن ، یاد شهیدان وطن ) (۲)
ای دیار خرم ما	در پناه لطف خدا
زین به عز و عزم و وقار	ای گل همیشه بهار (۲)